

## تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ ایثار و شهادت

بهاره نصیری<sup>۱</sup>، آمنه بختیاری<sup>۲</sup>

### چکیده:

در تمام جوامع بشری، ارزش‌هایی وجود دارد که بنیان اصلی فرهنگ آن جامعه را شکل می‌دهند. اهمیت و جایگاه این ارزش‌ها به‌گونه‌ای است که هر ملتی هویت و حیات اجتماعی و سیاسی خود را در پابندی و احترام به آن‌ها انتقال کامل آن به نسل‌های آینده می‌داند. در رهیافت علمی و از منظر تئوری‌های علوم اجتماعی ایثار و شهادت نه یک امر صرفاً احساسی-عاطفی، بلکه رفتاری عقلانی و جزء کنش‌های عقلانی معطوف به ارزش تعریف می‌شود؛ به‌گونه‌ای که به‌مثابه یک نظام رفتاری و الگوی ارزشی - عقلانی عملکردی، «همه‌جایی» و «هرزمانی» مطرح است که می‌تواند در خرده نظام‌های یک جامعه (خانواده، آموزشی و پرورشی، اقتصاد، حقوق، سیاست و...) پایه رفتار قرار گیرد و اساس انسجام وجدان جمعی جدید و ساخته‌ای اجتماعی جامعه جدید را تشکیل دهد؛ هدف از این مقاله تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه ایرانی و شناسایی عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرهنگ ایثار و شهادت است. این تحقیق از نظر هدف، بنیادی و بر مبنای روش توصیفی انجام گرفته است. نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه متأثر از عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تمدن است.

### واژگان کلیدی:

جامعه‌شناختی، فرهنگ، ایثار، شهادت، فرهنگ ایثار و شهادت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

bn.nasiri@gmail.com

۱. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)

ameneh\_b2000@yahoo.co.uk

۲. کارشناس پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## مقدمه

هر فرهنگی از جهان‌بینی خاصی برخاسته است که الگوها، تشخیص‌ها، مبناها، برداشت‌ها و ادراک‌هایش در رابطه با آن جهان‌بینی تحلیل و جمع‌بندی می‌شود؛ یعنی همه این مقوله‌ها بر اساس هویت و هدف کلی آن جهان‌بینی خواهد شد (قربانی، ۱۳۹۴: ۳۳). با نگاهی به جامعه ایرانی درمی‌یابیم که ایثار و شهادت به‌عنوان کارآمدترین عنصر فرهنگی در تأثیر بر فرایندها و پدیده‌های اجتماعی پنداشته می‌شود و این فرهنگ، در سطح جامعه موجب فدا کردن جان برای حفظ ارزش‌ها، عزت نفس بخشیدن به افراد جامعه، ایجاد هویت و هدف مشترک در میان افراد یک جامعه، همبستگی اجتماعی و ایجاد روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌طلبی می‌شود (مسعودی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۰). حفظ و استمرار این فرهنگ در ساخت فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی که ریشه در باورها و اعتقادات عمیق مردم در ادوار و اعصار تاریخی دارد. فرهنگ ایثار و شهادت سرمایه عظیم معنوی و راهبردی برای حفظ و صیانت و توسعه فرهنگ ملی است. این فرهنگ با ظرفیت و قدرت ماهوی خود در بقا و تداوم ارزش‌های ماندگار یک ملت نقش ممتاز و برجسته‌ای دارد؛ بنابراین شناخت و آشنایی جامعه با مفاهیم آن می‌تواند در تبیین و ترویج این فرهنگ مؤثر باشد. عوامل اثربخش ساختن شیوه‌ها، علاوه بر ارتقاء جایگاه این فرهنگ به‌عنوان عامل بقای فرهنگ و هویت ملی و ایرانی، می‌تواند در تحقق یک جامعه مطلوب بر اساس معیارهای انسانی و معنوی نقش مؤثری ایفا کنند. ضمن آنکه استفاده درست از روش‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت می‌تواند نقش مطلوبی در سلامت جامعه از آسیب‌های اجتماعی داشته و اهداف عالی یک جامعه ایده‌آل را فراهم نماید؛ اما پیوند بین جامعه‌شناسی با ایثار و شهادت که مقوله‌ای با جهان‌بینی الهی است یک دیالکتیک فکری است. چراکه ایثار و شهادت مفاهیمی هستند که دارای اهدافی هر دو جهانی است و عقلانیت آن، انسان را خلاصه در این جهان تصور نمی‌کند، بلکه به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که سعادت هر دو جهان انسان را تأمین می‌کند. هدف از عقلانیت ایثاری ایجاد جهانی امن مبتنی بر برابری بین انسان‌ها، عدالت مهر و محبت، مبارزه با ظلم در هر شکل آن است. در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت باید بر روی، انواع ارتباطات

انسانی و تأثیرات فرهنگ، اقتصاد و سیاست تمرکز داشت و عملکرد هر یک از این عوامل مختلف و تأثیرات متقابل آن‌ها بر یکدیگر را مدنظر قرار داد.

موضوع فرهنگ ایثار و شهادت، موضوعی است که هر قدر بر روی آن پژوهش و بررسی گردد، باز هم لازم و ضروری است. چراکه حیات و عزت ملت به آن بسته است. لذا در این مقاله قصد داریم تا به این سؤالات اساسی بپردازیم: نخست آنکه اساساً مفهوم ایثار و شهادت به چه معنایی است؟ دیگر آنکه تبیین جامعه‌شناختی این مفهوم چگونه است و عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرهنگ ایثار و شهادت کدام است؟

### پیشینه پژوهش

نورانی، حسین؛ آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، ۱۳۷۸؛ به این نتیجه رسیده است که پرهیز از غلو، جعل و غیرقانونی و تبلیغ نمودن آغاز یک ترویج مناسب است و این توفیق زمانی نهادینه می‌شود که معضلات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی در جامعه برداشته شود.

بوداگی و جنتی، اشرف؛ ایثار و شهادت در سال ۱۳۸۸؛ به این نتیجه رسیده است که ایثارگران باید به‌عنوان پرچمدار غیرتمندی‌ها و ارزش‌آفرینی‌ها به آیندگان معرفی نمایم. همچنین عدم احیایی روش‌های ایثارگری، موجب به بن‌بست رسیدن شکوفایی‌ها در محورهای مختلف می‌شود.

رحیمی، محمود، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در سال ۱۳۸۵؛ به این نتیجه رسیده است که پرهیز از غلو، جعل غیرعقلانی آغاز یک ترویج مناسب است و همچنین ترویج صحیح فرهنگ ایثار و شهادت تضمین‌کننده استقلال آزادی یک ملت و توسعه آن و هر نوع ننگ بردگی و اسارت و استثمار را از بین برده و ریشه‌کن می‌کند.

شمخانی، یوسفی و یوسف صنیعی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تبیین راهکارهای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه، به آثار و کارکردهای این فرهنگ در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش بیان می‌دارد که ترویج فرهنگ ایثار و شهادت می‌تواند به کاهش منازعات اجتماعی، سیاسی و بزه‌های فرهنگی و اخلاقی منجر شود.

شیخی (۱۳۸۷) در طرح پژوهشی خود با عنوان میزان اثربخشی مراسم تکریم شهدا در جامعه و نوع نگرش مردم نسبت به این مراسم پرداخته است. در این پژوهش پیمایشی، نقش این مراسم‌ها و کیفیت بخشی آن در ارتقا سطح بینش و دانش نسل جوان و اثربخشی آن مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ترویج این فرهنگ در جامعه در نگرش مردم نسبت به آن نقش بسیار زیادی داشته است.

دراوزسکی (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان پیامدهای پنهان باقی مانده از جنگ، در دوران جنگ جهانی در کشور لهستان به منظور اخذ درجه دکترای خود و برای ثبت و ضبط خاطرات دوران جنگ با استفاده از روش کیفی و انجام مصاحبه به بررسی نتایج پنهان و آثار باقیمانده از جنگ در افکار و اندیشه‌های مردم کشورش پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داده که این خاطرات بخشی از فرهنگ و هویت فرهنگی یک کشور است و خاطره نیست بلکه تجربه‌ای برای زیستن بهتر و فرهنگ متعالی است که بایستی حفظ شود.

### مبانی نظری پژوهش

اگر جامعه‌شناسی را علم شناخت جوامع و بررسی مراحل تحول و تکامل آن تعریف کنیم، باید بگوییم که جامعه‌شناسی موجود که در نتیجه جنبش روشنگری و در واقع علیه آن در دنیای غرب به وجود آمد، علمی است که بیشتر به جنبه مادی و فیزیکی انسان و جوامع انسانی توجه دارد تا ابعاد متافیزیکی آن.

یکی از بیشترین تأکیدات دنیای روشنفکری غرب، تأکید بر رد متافیزیک و حاکمیت آن بر انسان و جوامع انسانی بود. با گذر زمان و با گسترش حوزه‌های مختلف علمی این نفی متافیزیک در تمامی حوزه‌های علمی دنیای غرب رسوخ پیدا کرد و یک علم سکولار را تحویل جامعه بشری داد که جامعه‌شناسی هم از آن بی‌بهره نماند.

امیل دورکیم<sup>۱</sup> (۱۸۵۸-۱۹۱۷)، جامعه‌شناس معروف فرانسوی نظریه خود را درباره علل خودکشی<sup>۲</sup> مردم، بر پایه همبستگی اجتماعی پایه‌ریزی می‌کند. تعریفی که او از خودکشی ارائه

1. Emile Durkheim

2. Suside

می‌دهد عبارت است از مرگی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از عمل مثبت یا منفی قربانی کردن خویش ناشی می‌شود به‌گونه‌ای که قربانی خود می‌داند آن عمل این نتیجه را به بار خواهد آورد. از نظر دورکیم مرگ مستقیم عملی است که به‌طور مستقیم به مرگ شخص منجر می‌شود، مانند حلق‌آویز کردن خود و مرگ غیرمستقیم عملی است که به‌طور غیرمستقیم به مرگ شخص منجر می‌شود مانند ترک نکردن خانه‌ای که در میان شعله‌های آتش در حال احتراق است و منظور از عمل مثبت و منفی اعمالی هستند که از طریق اقدام عملی شخص مانند شلیک گلوله به خود و یا عمل منفی شخص مانند اعتصاب غذا که مرگ شخص را به دنبال دارد. این تعریف را می‌توانیم در شهادت‌طلبی با تعدیلاتی به کار ببریم.

ریمون آرون (۱۹۸۳-۱۹۰۵)، جامعه‌شناس مغاصر فرانسوی معتقد است این تعریف دورکیم نه‌تنها موارد معمول خودکشی بلکه موارد مشابه دیگری را هم در برمی‌گیرد؛ مانند کردار افسر فرماندهی که کشتی‌اش را غرق می‌کند تا تسلیم نشود و یا سامرایی‌های ژاپنی که خودشان را می‌کشند، زیرا شرف خویش را لکه‌دار می‌دیدند (آرون، ۱۳۶۶: ۱۹۸).

دورکیم معتقد است اگر درجه همبستگی اجتماعی شخصی با گروه اجتماعی با جامعه‌اش به‌شدت تضعیف گردد به‌نحوی که فرد احساس همبستگی با اشخاص دیگر نکند، دست به خودکشی خواهد زد. برعکس این نیز صادق است یعنی هرگاه درجه همبستگی شخص با گروه و جامعه‌اش به حد افراط فزونی گیرد به‌نحوی که فرد بقای گروه خویش را بر بقای خود ترجیح دهد، دست به خودکشی خواهد زد. از این نظریه به‌طور کلی برمی‌آید که وی خودکشی را تابعی از درجه همبستگی اجتماعی شخص با گروه یا جامعه‌اش می‌دانست. دورکیم با توجه به مفهوم همبستگی اجتماعی، خودکشی را به‌صورت زیر طبقه‌بندی می‌کند:

۱. خودکشی خودخواهانه؛
۲. خودکشی دگرخواهانه؛
۳. خودکشی آنومیک یا بی‌هنجاری؛

- 
1. Egoistic Suicide
  2. Altruistic Suicide
  3. Anomic Suicide

۴. خودکشی فATALISTIK یا قدرگرایانه<sup>۱</sup>.

خودکشی خودخواهانه: این نوع خودکشی وقتی رخ می‌دهد که فرد رابطه ضعیفی را بین خود و جامعه احساس می‌کند و فشارهای اجتماعی نمی‌تواند او را علیه رفتار خود ویرانگرانه تحت تأثیر قرار دهد، این نوع خودکشی خاص جوامعی است که در آن فلسفه و سنت فردگرایی و استقلال‌طلبی مورد تأکید است.

خودکشی آنومیک یا بی‌هنجاری: وقتی در جامعه‌ای آشکارا الگوهای پذیرفته‌شده فرهنگی مورد مراعات قرار نگیرد و بی‌نظمی و نظام گسیختگی دیده شود، احتمال بروز چنین خودکشی می‌رود.

خودکشی جبری: خودکشی جبری از بی‌قدرتی که مردم احساس می‌کنند، ناشی می‌شود. بی‌قدرتی به حالتی گفته می‌شود که فرد قادر به تحت تأثیر قرار دادن محیط اجتماعی خود نباشد.

خودکشی دگرخواهانه: هنگامی که فرد وظیفه اخلاقی عمیقی را در خود احساس می‌کند و علاقه‌مند می‌شود خود را فدای دیگران کند، دست به خودکشی دگرخواهانه می‌زند (قنادان، ۱۳۷۵: ۷۸).

وقتی که فردی با حس همبستگی و انسجام قوی نسبتاً قوی نسبت به یک گروه فوق‌العاده یکپارچه و متحد وجود داشته باشد او ارزش‌ها و هنجارهای گروه را از برای خویش قلمداد کرده و می‌پذیرد؛ بنابراین میان منافع خود و گروه تمایزی قائل نمی‌شود و درعین حال احتمالاً در فکر خود به‌عنوان یک فردی منحصر به فرد با یک زندگی جدا و دور از زندگی گروهی، شناخته و تصویر نمی‌شود. پس تحت این شرایط محیطی، چه چیزی او را به ارتکاب خودکشی برمی‌انگیزد؟

چنین فردی در آرزوی فدا کردن، قربانی کردن زندگی‌اش به خاطر اهداف گروه خواهد بود، در مواقع بحران<sup>۲</sup> و جنگ که میزان همبستگی اجتماعی و اتحاد و صمیمیت میان افراد جامعه

1. Fatalistic Suicide

2. Crisis

بیشتر می‌شود، این نوع خودکشی بیشتر به چشم می‌خورد، زیرا در این مواقع فردیت به شدت تضعیف می‌شود و یگانگی اجتماعی<sup>۱</sup> بیشتر به چشم می‌خورد (محسنی، ۱۳۷۶: ۶۶).

با توجه به این موضوع دورکیم آن نوع خودکشی را که از درجه مفرط یکپارچگی گروهی ناشی شود، دگرخواهانه می‌نامد. او این نظریه را برای تبیین اینکه چرا نرخ خودکشی برای سربازان بالاتر از اشخاص غیرنظامی و برای افسران نظامی بیشتر از سربازان وظیفه و برای داوطلبان و کسانی که داوطلبانه به نهاد نظامی آمده‌اند بیشتر از سربازان مشمول می‌باشند، به کار برد. او اظهار داشت که خودکشی در مورد سربازی که خودش را کاملاً بارزش‌ها و هنجارهای زندگی نظامی همانند سازد، افزایش می‌یابد. افسر نظامی بهتر از سرباز وظیفه در سازمان تشکیلات نظامی ادغام و جذب می‌شود. داوطلب جنگی یا بسیجی نیز بیشتر از یک سرباز وظیفه با زندگی نظامی ادغام می‌شود و لذا خودش را بیشتر از دیگر گروه‌های جامعه وقف ارزش‌های نظامی گروه خود کرده و عزت‌نفس خود را برای توفیق در ارتش بیشتر به خطر می‌اندازد. در خودکشی دگرخواهانه فرد خود را فدای جامعه یا دیگران می‌کند و منطبق با این است که دانی فدای عالی شده است. در جنگ‌ها و انقلاب‌ها معمولاً مردم با فراموش کردن خود در مسائل و رنج‌هایشان به سوی نوعی اتحاد برای کار و هدف مشترک جلب می‌شوند و همین امر در مواقعی موجب افزایش خودکشی دیگرخواهانه می‌گردد که به شیوه‌های مختلف خودنمایی می‌کند (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۰۰). در جنگ جهانی دوم، یک مثالی از فداکاری و از خودگذشتگی خلبان ازجان‌گذشته ژاپنی نظامی است. خلبانان ژاپنی با هواپیماهای خود بر روی کشتی‌های دشمن شیرجه می‌رفتند تا آن‌ها را از کار بیندازند و یا بسیجیان ایرانی در جنگ تحمیلی مانند حسین فهمیده و امثال او که برای جلوگیری از پیشروی دشمن با نارنجک به زیر تانک‌های آن‌ها می‌رفتند.

موریس هالبواکس معتقد است دورکیم در تعریف خود از خودکشی دگرخواهانه، خودکشی و فداکاری را از یکدیگر تفکیک نکرده است. به نظر وی جامعه خودکشی را نمی‌پذیرد ولی

فداکاری را سازمان می‌دهد؛ بنابراین، این دو عمل علیرغم اینکه از ضرورت‌های اجتماعی ناشی می‌شود ولی متفاوت از یکدیگرند.

البته این نقد به تعریف دورکیم از خودکشی بازمی‌گردد، چراکه در تعریف وی از خودکشی فداکاری نیز گنجانیده شده است. سه گونه<sup>۱</sup> از خودکشی دگرخواهانه را می‌توان تمیز داد:

(الف) اجباری<sup>۲</sup> (ب) اختیاری یا ارادی<sup>۳</sup> (ج) هوشمندانه<sup>۴</sup>

۱. در نوع اجباری، انتحار به‌عنوان یک وظیفه<sup>۵</sup> در جامعه تلقی می‌شود؛ یعنی به‌عنوان رفتار مورد انتظار جامعه و به‌مثابه وظیفه‌ای برای فرد که می‌باید انجام شود؛ مانند خودکشی اجباری در هند که رسم سوتی یک نمونه از آن است و نیز خودکشی پولی ژین ها<sup>۶</sup> از اقوام سرخ‌پوستان شمال آمریکا.

۲. در نوع خودکشی دگرخواهانه اختیاری و ارادی، فرد به‌طور داوطلبانه به استقبال مرگ می‌رود. در او تمایلات عرفانی مشهود است و با اشتیاق سخن از مرگ می‌گوید. این نوع خودکشی را به داوطلبان شهادت در صدر مسیحیت و صدر اسلام نسبت داده‌اند که با نوعی فنای صوفیانه و وصال عارفانه و مرگ باعزت همراه است.

۳. در نوع خودکشی هوشمندانه و زیرکانه، کناره‌گیری فرد از خود و چشم‌پوشی وی از حیات این دنیا، بدان دلیل است که جامعه و فرهنگ چنین عملی را شایان ستایش و قابل‌تمجید می‌داند (محسنی، ۱۳۷۶: ۱۵۴).

خودکشی دیگر خواهانه زمانی است که رابطه فرد با جمع از بین نرفته و فرد از سیستم جدا نشده است و حتی با سیستم رابطه‌ای بسیار قوی دارد. هنگامی که جامعه هم از بین نرفته است و هنوز دارای مشروعیت هستند، منتها خطری جامعه را تهدید می‌کند و برای رفع خطر ایثار و پایبندی لازم می‌شود (تنهایی، ۱۳۷۲: ۱۵۷).

- 
1. Varsity
  2. Obligatory
  3. Optional
  4. Acute
  5. Duty
  6. Polynesian



ایثار ایجاب می‌کند که فرد به خاطر حفظ سیستم، خودش را به کشتن دهد، نه اینکه خودکشی کند. خودکشی عمل آگاهانه‌ای است که فرد با دانستن نتیجه آن برای حفظ سیستم به آن روی می‌آورد. مثل آن زندانی که می‌داند اعتصاب غذایی منجر به مرگ او می‌شود و یا آن سربازی که با نارنجک به زیر تانک دشمن می‌رود و یا عملیاتی که بسیجیان ما در جنگ انجام دادند و گروه‌گروه برای باز کردن میدان‌های مین، پا به روی آن‌ها می‌گذاشتند یا روی آن‌ها می‌غلطیدند. این خودکشی ناشی از ضعف فرد و یا ضعف سیستم نیست، بلکه دفاعی است از ارزش‌های اجتماعی موردقبول و تعالی بخشیدن به ارزشی است که افراد برای هدفشان و برای سیستم قائل هستند. پس این نوع خودکشی نه تنها مذموم نیست، بلکه تقدیس هم می‌شود. ولی از جهتی هم می‌تواند آسیب محسوب شود، زیرا که فرد را از جریان تقسیم‌کار جاری جدا می‌کند، هر عاملی که فرد را از جریان تقسیم‌کار جدا کند، آسیب محسوب نمی‌گردد. اگر در جامعه نوین، آدمیان به خاطر بی‌معنی بودن زندگی، خود را می‌کشتند در جوامع سنتی به خاطر بامعنی بودن مرگ چنین می‌کنند. ارزش‌هایی وجود دارد که انتحار را در میان گروه‌های معینی از افراد، عملی افتخارآمیزی حتی است که آن را در برابر خودکشی «خودکشی نوع پرستانه» اجباری می‌سازد. واژه دورکیم برای این نوع خودکشی خودپرستانه آورده است. یکپارچگی گروه‌ها، ادغام فرد با جامعه و احترام به ارزش‌های آن علت اقدام به این خودکشی است (اباذری، ۱۳۸۰: ۲۱۰). از نظر دورکیم در خودکشی دیگرخواهانه فرد زندگی‌اش را فدای آن تصویری از خودش می‌کند که در نظرش ارجمندتر از زندگی زیست شناختیش است (نیک‌گهر، ۱۳۷۱: ۷۹).

به‌طور خلاصه از دیدگاه دورکیم خودکشی یک پدیده و واقعیت اجتماعی است، لذا این پدیده باید از طریق علت‌شناسی پدیده‌های اجتماعی موردبررسی و مطالعه قرار گیرد. او معتقد است که انگیزه‌های خودکشی در هر جامعه‌ای از هر نوعی که باشد زاده حوادث و شرایط اجتماعی آن است و لذا این بافت و ساخت اجتماعی است که فرد را وادار می‌کند به رفتار خاصی دست‌زده و به همین جهت مجبور می‌شود با نقشه قبلی به زندگی خویش پایان بخشد؛ بنابراین از منظر دورکیم منشأ خودکشی خود فرد نیست بلکه فرایندهای اجتماعی است که از ساخت و بافت اجتماعی نشأت می‌گیرد.

با توجه به نظریه دورکیم می‌توان گفت که انقلاب اسلامی با طرح ارزش‌های مشترک یک نوع همبستگی اجتماعی بین حکومت و مردم به وجود آورد. رزمندگان بسیجی که درجه همبستگی آن‌ها با این ارزش‌ها بیشتر بود، برای حفظ و استمرار این ارزش‌ها حاضر به فداکاری بیشتری بودند و لذا خود را بیشتر به خطر می‌انداختند. بسیجیان به استقبال شهادت رفته و درباره این‌گونه مردن با شوق و شور سخن می‌گفتند و می‌نوشتند. اگرچه این کنش به‌نوعی بیان‌گر شهادت دگرخواهانه ارادی و اختیاری بود اما جامعه و فرهنگ حاکم بر آن‌هم‌چنین مردنی را شایسته و قابل تقدیر می‌دانست؛ و لذا انگیزه این نوع شهادت‌طلبی همبستگی اجتماعی بین فرد و جامعه و حمایت از ارزش‌های مشترکی بود که موردتهاجم واقع شده بود.

### نظریه ماکس وبر

یکی از مفاهیم کلیدی از دیدگاه ماکس وبر مفهوم تفهم است. تفهم عبارت است از فهم معنای یک کردار یا یک رابطه اجتماعی. او معتقد است که کردار و کنش انسانی در جهت معنایی سیر می‌کند و برای درک آن کردار فهم این معنا ضروری است. از نظر او تفهم جز وسیله‌ای کمکی برای پرده برداشتن از یک معنا نیست که باید از راه اسناد علمی یا مشاهده آماری تأیید گردد (وبر، ۱۳۷۴: ۱۳۱). از نظر وبر یک کنش اجتماعی کرداری است که برحسب معنای کارگزار به مقتضای رفتاری درگذشته، حاضر یا قابل پیش‌بینی دیگری جهت گیرد؛ و لذا او معتقد است که باید توجه بیشتری به انگیزه‌های رفتار و کنش‌ها کرد. با توجه به مسئله تفهم وبر چهار نمونه رفتار را تمیز می‌دهد:

۱. رفتار عقلانی معطوف به هدف<sup>۱</sup>، ۲. رفتار عقلانی معطوف به ارزش<sup>۲</sup>، ۳. رفتار عاطفی<sup>۳</sup>، ۴. رفتار سنتی<sup>۴</sup>.

الف) کنش عقلانی معطوف به هدف: براساس محاسبه رابطه میان وسیله و هدف صورت می‌گیرد و نمونه آن در زندگی اقتصادی است که بازیگر هم ممکن است وسایل رسیدن به هدف را

- 
1. Zweckrationd
  2. Wertkdtiondl
  3. Affektvell
  4. Traditional

به اقتضای تسهیل کار تغییر دهد و هم با توجه به مقتضیات و امکان کسب وسایل لازم، در هدف تجدیدنظر کند.

ب) کنش عقلانی مبتنی بر ارزش: که عمدتاً در حوزه دین و اخلاق نمودار می‌شود، ممکن است در وسایل تجدیدنظر شود، لیکن به نتایج سودمند و یا زیان‌آور آن صرفاً برحسب اصول، اعتقادات صورت می‌گیرد (وبر، ۱۳۷۴: ۱۰۲). کنش‌ها وقتی به‌طور خالص عقلانی معطوف به ارزش هستند که کنشگران بدون در نظر گرفتن پیامدهای قابل پیش‌بینی آن‌ها، براساس تعهدات خود نسبت به آن چیزی که از نظر آن‌ها مطابق وظیفه افتخار، زیبایی، ندای دینی یا تقوا است آن‌ها را به‌جا می‌آورند.

از دیدگاه انگیزه کنش، پهلوانی که اجازه می‌دهد حریفش او را خاک کند، ناخدایی که در هنگام غرق کشتی‌اش را ترک نمی‌کند و بسیجی‌ای که برای باز کردن راه رزمندگان روی مین می‌رود، همه تصمیماتش بر مبنای کنش عقلانی معطوف به ارزش است. این کنش بر اساس دستوراتی است که شخص خود را ملزم به آن می‌بیند. در این نوع کنش کنشگر در قبول فطرت عقلانی عمل می‌کند نه برای آنکه نتیجه خارجی به دست آورد بلکه برای آنکه به تعهد خود پایبند بماند، و بر این نوع عقلانیت را عقلانیت ارزشی نام می‌نهد.

ج) کنش سنتی: و بر کنش سنتی را کنشی مکانیکی می‌داند که محاسبه وسیله و هدف در آن متصور نیست. این کنش بر اساس تقلید محض و اطاعت ناخودآگاه از رسوم و سنن مستقر انجام می‌گیرد.

د) کنش عاطفی: کنشی است غیرعقلانی که بدون محاسبه هدف و وسیله صورت می‌گیرد (بشریه، ۱۳۷۶: ۱۲۰).

موضوع دیگر که و بر به آن می‌پردازد کاریزما است. کاریزما در پاسخ به مسئله معنی پدید می‌آید. هویت بخشیدن به خویشتن یکی از ویژگی‌های اساسی ذهن آدمی است و این مسئله بر زندگی فردی و اجتماعی او اثر می‌گذارد. تعهد به‌نوعی اعتقاد زمینه رفتارهای فردی و اجتماعی را فراهم می‌کند. جنبش کاریزمایی ممکن است در وجود یک‌تن تجلی یابد و آن شخص از نظر پیروان خارق‌العاده به نظر برسد. بین او و پیروان رابطه ارادت برقرار گردد. در صورتی که کنش‌های عقلانی مبتنی بر ارزش اساسی سلطه کاریزمایی باشد این کنش‌ها معطوف به ارزش‌هایی خواهد

بود که رهبر بر آن‌ها تأکید می‌گذارد و یا ممکن است جنبش کارزمای سنت ازدست‌رفته یا منسوخی را احیا نماید. شهادت‌طلبی در دیدگاه وبر بیشتر می‌تواند براساس کنش عقلانی مبتنی بر ارزش تفسیر شود. انگیزه این کنش از نظر فردی که به آن دست می‌زند برای ادای تکلیف و علاقه به ارزش‌هایی است که او خود را به آن متعهد می‌داند. این تعهد ممکن است، دینی، اجتماعی یا اخلاقی باشد؛ بنابراین کنشگر با توجه به اصول و اعتقاد خود فقط به دنبال نتیجه و سودمندی عمل نیست، بلکه او می‌خواهد به تکلیف خود عمل کند. با توجه به دیدگاه ماکس وبر در مورد فهم کنش، انواع و انگیزه‌های آن، باید توجه کرد که رفتار شهادت‌طلبانه در جهت معنایی سیر می‌کند و لذا تا این معنا درک نشود، نمی‌تواند تفسیر جامعی از انگیزه‌های شهادت‌طلبی ارائه داد.

یکی از راه‌های درک و وصول به این معنی گفته‌ها و نوشته‌های کنشگر است. از نظر وبر رفتار شهادت‌طلبانه بیشتر یک رفتار عقلانی معطوف به ارزش است. چنانکه از معنی تکلیف، رسالت و تعهد استنباط می‌شود. از طرفی مفهوم شهادت در فرهنگ و سنت ایرانیان به‌ویژه شیعیان ریشه‌ای دیرینه دارد و سنت‌های دینی و فرهنگی ما در موارد زیادی مؤید و مشوق چنین رفتاری در شرایط معین است. از طرفی این شهادت‌طلبی کنشی عاطفی در برابر جنایات و رفتار تجاوزگرانه دشمنانی بوده است که در ددمنشی و عدم رعایت قوانین جنگی بین‌المللی مشهور و معروف بوده‌اند. کنش عاطفی، هم برخاسته از علایق و عواطفی است و هم باعث تحریک و تهییج عواطف می‌شود. در انقلابات اجتماعی، بسیج سیاسی و دفاع در مقابل دشمنان، تأثیر شهادت و شهیدان در تهییج افکار عمومی و ترغیب پیروان بسیار قابل توجه است. از طرف دیگر این کنش گاهی یک کنش عقلانی معطوف به هدف است و کنشگر محاسبه بین وسیله و هدف را نیز انجام می‌دهد و تاکتیک‌های مناسب را برمی‌گزیند. کنشگر باید سعی کند با شناخت صحیح هدف و ابزار، تصمیم بگیرد. اگرچه در شهادت‌طلبی گاهی بحث تکلیف مطرح می‌شود و کنشگر به نتایج کمتر توجه می‌کند، اما هرگز به این مفهوم نیست که شهادت‌طلبی عملی اجباری و بدون تحقیق و انتخاب است. شهید باید با آگاهی از عمل و نتایج آن اقدام نماید. اگرچه او به سود مادی و مقطعی توجه نمی‌کند، اما باید به‌طور کلی سود و زیان این کنش را محاسبه نماید. اگرچه شهید از خود گذشته است؛ اما از طرفی به خود رسیده است. او به دنبال انگیزه خودیابی است. او

می‌خواهد هویتی تازه یابد و به زندگی و مرگش معنا ببخشد. همچنین شهید باید تأثیر عمل و نتایج آن را در محیط اجتماعی خود محاسبه کند و لذا محاسبه زمان و مکان شهادت از موارد بسیار مهم و قابل توجه در فرهنگ شهادت است. از طرفی تأثیر جنبش کاریزمایی، همراه با سلطه اجتماعی و سیاسی، نیز در این موضوع قابل توجه است. عشق و شوریدگی و ارادت این کنشگران به رهبر موضوعی نیست که قابل چشم‌پوشی باشد. هنر بزرگ و جاودانه امام خمینی (ره) در عرصه جامعه‌شناسی سیاسی معاصر یعنی طرح موضوع مترقی ولایت فقیه و به دنبال آن جمهوری اسلامی تأثیر وافر در ایدئولوژی و رفتارهای دوران انقلاب و جنگ به‌جا نهاده است. کنش شهادت‌طلبانه از طرفی به ارزش‌های رهبر تأکید می‌کرد و هم در سنت‌های اصیل جامعه ریشه داشته و نوعی وظیفه و ندای دینی تلقی می‌شد و تعهد و زیبایی و افتخار را در برداشت.

### دیدگاه مبادله

فکر مبادله در علوم اجتماعی مانند بسیاری از اندیشه‌های دیگر عمری زیاد دارد. این دیدگاه به مبادله چیزهای ارزشمند ملموس و غیرملموس به‌عنوان مبنای نظم اجتماعی اعتقاد دارد. از این دیدگاه انسان‌ها هم به مبادله کالاهای مادی و هم به مبادله کالاهای اجتماعی نظیر محبت و تائید اجتماعی می‌پردازند. این دیدگاه دیدگاهی فردگرایانه است و انسان را تا حد زیادی صاحب اراده و آزاد در انجام کنش‌ها می‌داند. در دیدگاه مبادله همواره این پرسش مطرح است که چه سودی نصیب من خواهد شد یا چه چیزی به من خواهد رسید (اسکیدمور، ۱۳۷۷: ۹۵).

جرج هومنز (۱۹۶۷) معتقد است انسان‌ها برای آن چیزی که برای آن‌ها ارزش بیشتری دارد تلاش بیشتری می‌کنند. ارزش از مفاهیم کلیدی اندیشه اوست. نتیجه یک کنش برای فرد هراندازه پرارزش‌تر باشد احتمال بیشتری وجود دارد که او این کنش را تکرار کند.<sup>۱</sup> اصل پاداش و تنبیه در مبادله بسیار مهم است. هومنز تحت تأثیر روان‌شناسی تجربی اسکینر رفتار انسان را متأثر از تقویت‌کننده‌های مثبت و منفی می‌داند. فرض دیگر مبادله این است که افراد بر اساس خودخواهی و سود دست به کنش می‌زند؛ بنابراین، فرض افراد آرزوها و هدف‌های شخصی

روشنی برای خود دارند و انگیزه دستیابی به اهداف و آرزوها بر اساس کسب منفعت است. فرایندهای مبادله نتیجه انگیزه انسان‌ها برای تحقق نیازها هستند. افراد بر اساس خودخواهی، سود و رفع نیاز دست به کنش می‌زنند. زندگی اجتماعی مانند یک بازار دادوستد تلقی می‌شود و هر کالایی در اینجا ارزش و قیمتی دارد و افراد در مبادلات خود سعی دارند سود خویش را در نظر بگیرند. مبادله‌ای در این جریان بیشتر ادامه می‌یابد که بیشترین سود را برای طرفین مهیا سازد. در اینجا ممکن است این سؤال پیش آید با توجه به اینکه دیدگاه مبادله به انگیزه‌های سودجویانه فردی اهمیت زیادی می‌دهد پس چگونه می‌تواند درباره انگیزه‌های دیگر خواهان<sup>۱</sup> یعنی کسانی که مال و جان خود را برای نجات دیگران به خطر انداخته و دست به ایثارگری می‌زنند چه جوابی دارد؟

اسکید مور در این باره می‌گوید، دیگر خواهان به دنبال نوعی رضایت معنوی هستند. هرچند که مستلزم خسران مالی باشد، اما موجب خوشحال و رضایت شخص را فراهم می‌کنند. بر این اساس فرض دیگر خواهی از موارد بسیار نادر در رفتار انسانی است (اسکید مور، ۱۳۷۷: ۹۵). از دیدگاه مبادله که بیشتر بر سود و سهم فرد از معامله خود در کنش اجتماعی تکیه می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که از نظر شهدا این مبادله بسیار سودمند است. اگرچه جامعه با شهادت افراد آرمان‌گرا و کارآمد دچار خسران و زیان می‌شود اما اثرات و فواید و پیامدهای اجتماعی شهادت برای جامعه بر زیان‌های مقطعی آن چیره می‌شود؛ بنابراین، هم جامعه شهادت را ارزشمند می‌داند و هم شهید آن را برای جامعه مفید می‌شمارد و لذا رفتار شهادت طلبانه هم از طرف شهید و هم از طرف جامعه معنی پیدا می‌کند. فرد معتقد است که خود را فدای ارزش‌ها کرده است، لذا احساس زیان نمی‌کند و از طرفی ارزش‌های جامعه با ارزش‌های شخصی و اعتقادی او هم هماهنگ و در ارتباط است. مهم‌تر از همه این مسائل احساس موضوع معامله با خداست که در جامعه‌شناسی دینی ما بسیار ارزشمند است. همان‌طوری که قرآن کریم در آیات متعدد مردم را به این معامله دعوت می‌کند و فدا شدن در راه ارزش‌ها متعالی و معامله با خدا را بالاترین نوع سوداگری می‌داند. همان‌طوری که شهید سعی می‌کند زندگی را در بهترین نوع تکامل ببیماید

سعی می‌کند در مردن هم بهترین، سعادتمندانه‌ترین و جاودانه‌ترین نوع مردن را انتخاب کند. هنگامی که تصور شهید و جامعه شهیدپرور کسی که طرف معامله است (خدا) این است که این معامله ارزش دارد، می‌توان به انجام این کنش امیدوار بود؛ بنابراین، با توجه به دیدگاه مبادله می‌توان گفت که فرد شهادت‌طلب به خاطر ارزش والای عمل خود، آن را آزادانه انتخاب نموده و احساس می‌کند در این معامله از نظر معنوی سود خواهد برد. شهادت‌طلبی و انگیزه‌های آن از دیدگاه روانشناسی اجتماعی از آنجاکه هدف روانشناسی اجتماعی عبارت است از شناخت و دریافت این موضوع که چگونه هر فرد از هر سو و هر جهت تحت تأثیر انگیزه‌ها و عوامل اجتماعی خود قرار می‌گیرد، لذا با توجه به این هدف می‌توان روانشناسی اجتماعی را مطالعه فعالیت‌های فردی که از افراد دیگر متأثر است، یعنی به عبارت دیگر نفوذی که مردم بر عقاید و رفتار یکدیگر دارند، تعریف کرد. در روانشناسی اجتماعی دو جنبه را باید مدنظر داشت:

الف) انگیزه‌ها نیازهای افراد هستند، لذا درونی و شخصی هستند؛

ب) عوامل محیطی و بیرونی در ایجاد انگیزه‌ها مؤثرند با توجه به این موضوع در تفسیر و تغییر رفتارهای.

افراد باید هم به عوامل درونی و انگیزه‌ها و هم به مطالعه فضای اجتماعی مرتبط با افراد توجه کرد. بررسی رفتار در روان‌شناسی اجتماعی به صورت وسیع‌تر از روانشناسی عمومی انجام می‌گیرد. به این معنی که در روانشناسی اجتماعی رفتار به نظام فرهنگی پیرامون و نیز وضع اجتماعی و عینی اشخاصی که رفتار می‌کنند و نیز شخصیت آن‌ها مربوط می‌سازد. غالب رفتارهای انسان به ویژه رفتارهای اجتماعی و معنوی او تنها به یک انگیزه بستگی ندارند، بلکه به نظام پیچیده‌ای از انگیزه‌ها وابسته است. فعالیت و تکامل اغلب انگیزه‌های انسانی به ویژه انگیزه‌های اجتماعی و انگیزه‌های رشد و تعالی تابعی از موقعیت‌های فرهنگی است و لذا در تعیین رفتار علاوه بر انگیزش باید نیروهای محیطی و ارزش‌های حاکم را نیز شناخت. علم روانشناسی با توجه زیاد به فرد و انگیزه‌ها، گرایش به سوی حذف تأثیر عوامل اجتماعی دارد و جامعه‌شناسی برعکس آن گرایش به سوی حذف عوامل و انگیزه‌های فردی دارد، لذا نقش روانشناسی اجتماعی به عنوان علمی که هم به فرد و نیازهایش و هم به جامعه و ارزش‌هایش به طور هم‌زمان توجه دارد، بسیار مهم است با توجه به این موارد در بررسی انگیزه‌های شهادت‌طلبی نیز باید نقش

متقابل، انگیزه‌ها و ارزش‌ها را در ایجاد رفتار ملحوظ داشت؛ یعنی انسان می‌تواند به مرحله خودشکوفایی برسد درحالی‌که برخی نیازهایش ارضا نشده است. فی‌المثل، رهبر فقید هند مهاتما گاندی چه بسیار موارد احتیاجات فیزیولوژیک و سلامتی خود را زمانی که هند برای آزادی از قید انگلیس تلاش می‌نمود، فدای ارضای احتیاجات دیگران نمود (همان منبع). به عقیده مازلو، خودشکوفایی عالی‌ترین شکل انگیزش است. چنین افرادی حتی ممکن است به رضامندی‌های اولیه نیاز که حیات عالی آنان را امکان‌پذیر ساخته است با نظری تحقیرآمیز و با بی‌اعتنایی نگاه کنند (مازلو، ۱۳۶۷: ۷۸).

در افراد خودشکופا هنگام رسیدن به سطوح عالی نیازها و ارزش‌ها و ذوق و سلیقه‌های همراه آن‌ها، این نیاز ممکن است مستقل شود و دیگر به رضامندی نیازهای روانی پست‌تر متکی نباشد. افراد خودشکופا به رضامندی‌های اولیه نیاز که حیات عالی را در آن‌ها ممکن نموده با بی‌اعتنایی و تحقیر نگاه می‌کنند. چنین افرادی برای ارضای نیازهای عالی فداکاری بیشتری خواهند کرد و گذشته از این با آمادگی بیشتری قادرند محرومیت از نیازهای پست را تحمل کنند. برای مثال زیستن به شیوه زاهدانه، تحمل خطر به خاطر عقیده و از دست دادن پول و اعتبار به خاطر خودشکوفایی برایشان آسان‌تر خواهد بود (مازلو، ۱۳۶۷: ۷۸). افراد خودشکופا آنچه انجام می‌دهند به خاطر ارزش‌های غایی و نهایی است. به خاطر اصولی که ارزشمند به نظر می‌رسند. آن‌ها به این ارزش‌ها عشق می‌ورزند و از آن‌ها حمایت می‌کنند، اگر این ارزش‌ها مورد تهدید واقع شود، خشم و واکنش و اغلب از جان‌گذشتگی در آن‌ها برانگیخته می‌شود. مازلو در کتاب افق‌های برتر فطرت انسان، انگیزه‌ها و رضایت‌مندی‌های افراد خودشکופا را به شرح ذیل برمی‌شمارد. جدول انگیزش‌ها و رضامندی‌های افراد خودشکופا که از طریق کار آن‌ها و نیز به طرق دیگر به دست آمده است.

- شادمانی در تحقق عدالت؛
- شادمانی در متوقف ساختن شقاوت و استثمار؛
- ستیز علیه دروغ‌ها و ناراستی‌ها؛
- آن‌ها به نظر می‌رسد که دوستدار سرانجام خوش و استکمال نیکو باشند؛



- آن‌ها تنبیه‌کنندگان شرارت‌اند؛
- آن‌ها می‌کوشند امور را سروسامان بدهند و اوضاع نامطلوب را سروسامان ببخشند؛
- آن‌ها از انجام کار خیر لذت می‌برند؛
- آن‌ها از تبلیغات، شهرت، سرافرازی، افتخار، معروفیت اجتناب می‌کنند؛ یا دست کم جویای آن نیستند. به نظرمی رسد که بودونبود این‌ها برای این افراد چندان اهمیتی ندارد؛
- آن‌ها عموماً آرمان‌هایشان را که غالباً اندک هستند، بیشتر خود انتخاب می‌کنند تا آن‌که به تبلیغ یا به مبارزان انتخاباتی یا به تلقین افراد دیگر پاسخ می‌دهند.
- آن‌ها گرایش دارند که از صلح، آرامش، سکوت، شادی و غیره لذت ببرند و مایل نیستند که به اغتشاش،
- مبارزه، جنگ و غیره علاقه‌ای نشان دهند و درعین حال می‌توانند در میانه یک جنگ شادمان باشند.
- مبارزه آن‌ها بهانه‌ای برای خصومت، یا مرتبط با خصلت پارانویایی، خودبزرگ‌بینی، اقتدار، عصیان و از این قبیل نیست، بلکه به خاطر اصلاح امور است، آن‌ها مسأله مدارند و برای آن مبارزه می‌کنند.
- آن‌ها به تملق، تشویق و تمجید، محبوبیت، منزلت، حیثیت، پول، افتخار و غیره نیازی ندارند یا جویای آن‌ها نیستند یا حتی از آن‌ها لذت نمی‌برند.
- آن‌ها از فساد، شقاوت، کینه‌توزی، ناراستی، تکبر، حقه‌بازی و کلاه‌برداری نفرت دارند و با آن مبارزه می‌کنند.

### مفهوم ایثار

ابوعبدالرحمن سلمی (م. ۴۱۲۰) می‌گوید: ایثار دست کشیدن از چیزی در عین نیاز به آن و دادن آن به دیگری است. ابو مسکویه (م. ۴۲۱۰ ق) می‌گوید: ایثار فضیلتی است که به‌واسطه آن، انسان به اراده و اختیار از برآوردن برخی نیازهایش، خودداری می‌کند تا آن را به کسانی که استحقاق دارد ببخشد. ابوالحسن هجویری (م. ۴۶۵ ق) معتقد است: ایثار قیام به یاری دیگران است، با به کار بستن آنچه خداوند به رسول مختارش فرمان داده است؛ و صاحب ایثار کسی است که ضرر

را بپذیرد و همه آنچه را دارد به دیگری ایثار کند. ایثارگر «صاحب الایثار» است و این می‌تواند اشاره به ملکه نفسانی ایثار باشد که فردی دارای آن است واژه «بالبلغه» در ترجمه فارسی کهن به آن «آن اندکی که دارد» برگردانده شده است. البته می‌توان آن را «به‌قدر کفایت» هم برگرداند؛ اما بخشیدن «همه آنچه را که دارد» با توجه به جایگاه ایثار در مراتب سه‌گانه سخا (دادن برخی)، جود (دادن بسیاری) و ایثار (دادن همه‌چیز) دقیق‌تر است (محسنی و فرامرزی، ۱۳۹۵: ۵۵-۵۴). ایثار در لغت به معنای برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خود مقدم داشتن و مانند آن است. به عبارتی، به معنای از خود گذشتن و ترجیح و برتری دادن به آنچه مطلوب دیگران است و در اصطلاح عبارت است از: بخشش مال به کسی، باوجود نیاز به آن (فهیمی، ۱۳۸۹: ۵۴۲). برای ملت ما، مسئله ایثارگری، یک فرهنگ تاریخی و یک سرمایه معنوی برای همه آزادی خواهان جهان است. کلمه ایثار به معنای اینکه، او را بر خود برگزید و برتری داد (جر، ۱۳۶۳: ۲) از ایثار تعبیر و تعاریف مختلفی ارائه شده که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: بذل و بخشش، ترجیح دادن بعضی بر بعضی دیگر، گذشت کردن از حق خود برای دیگران (دهخدا، ۱۳۷۶: ۳۱۶۶). گذشت کردن از حق خود برای دیگران (دهخدا، ۱۳۷۶: ۳۱۶۶). برگزیدن و منفعت خود را بر خود مقدم داشتن (انوری، ۱۳۸۱: ۳۲۰). ایثار در اسلام به معنای تلاش، فداکاری، بخشش و اخلاص در راه خدا آمده است که بیانگر رشد و معرفت الهی انسان است و با مفاهیمی همچون شهادت، خیرخواهی و دیگرخواهی همراه است. مفهوم ایثار به ما می‌آموزد که من و تو وجود ندارد ما وجود دارد و اگر به صورت ید واحد عمل کنیم به خوشبختی و سعادت می‌رسیم.

### مفهوم شهادت

شهید و شهادت از ماده «ش ه د» اخذ گردیده است. شهید در لغت، معانی متعددی دارد. مصدر شهادت به معنای حضور، علم به امور ظاهری، شهادت دادن، خبر قاطع دادن و مشاهده نمودن است (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۷). واژه شهید به معنای شاهد، گواه و کشته شده در راه خدا آمده است (میمنه، ۱۳۸۵: ۸). اگر فرد مرگی را انتخاب کند که دارای دو مشخصه باشد، در اسلام از او به‌عنوان شهید یاد می‌کنند: اول، در راه خدا کشته شود؛ دوم، مرگی آگاهانه باشد (مهینی، ۱۳۸۳:

۴۵) شهید کسی است که در راه خدا کشته می‌شود و یا مجاهدی است که در طریق حق جان می‌سپارد در اسلام، کشته شدن آگاهانه و انتخاب‌گرایانه در راه آرمانی مقدس و پاک که به تعبیر قرآن کریم «فی سبیل الله» نامیده می‌شود، شهادت نام دارد و کسی که به چنین مقامی دست می‌یابد، شهید است. البته پذیرفتن مرگ، هنگامی ارزشمند است و قداست دارد که از سویی آگاهانه باشد و از سوی دیگر، رضایت و خشنودی خداوند را در پی داشته باشد (نیری، ۱۳۸۴: ۲۱). شهادت مرگی آگاهانه، مقدس و هدفمند است (جنتی، ۱۳۸۲: ۱۸۵ و صابری یزدی، ۱۳۷۵: ۳۵۱). در شریعت مقدس اسلام، جایگاه شهادت و شهید به‌خوبی روشن و آشکار است و آیات و احادیث فراوانی در این زمینه وجود دارد؛ که هر یک کین بخشی از مفهوم بلند این فرهنگ است (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۴). شهادت پایان بخشیدن به حیات طبیعی و مادی برای دفاع از ارزش‌های والای انسانی و شکافتن قفس کالبد مادی و حرکت به مقام بلند شهودی است. شهادت نه تنها برای کسانی که توفیق آن را می‌یابند، رستگاری محسوب می‌شود، بلکه در بعد اجتماعی آن باعث حفظ و بقای ارزش‌های دینی است (میراحمدی باباحیدری، ۱۳۹۸: ۱).

در جامعه ما مفهوم شهادت شناخته شده و پذیرفته شده است و آنکه مردن به خاطر آرمان‌ها و هدف‌های والایی که در جان آدمی ریشه دوانده و به فرهنگ تبدیل شده است. تحقق بخشیدن به آن آرمان‌ها و زنده کردن آن‌هاست و کسی که بدین گونه و در این راه می‌میرد، در واقع به خویشتن حقیقی خود که همان آرمان اوست، زندگی می‌بخشد و بقاء می‌یابد.

### مفهوم فرهنگ

فرهنگ، مجموعه‌ای پیچیده از خصوصیات اصلی، فکری و غیرمادی است که به‌عنوان شاخص جامعه و گروه اجتماعی مطرح می‌شود. اسپنسر در کتاب اصول جامعه‌شناسی خود از فرهنگ به‌عنوان محیط فوق جسمانی انسان یاد می‌کند و درصدد جدا ساختن فرهنگ از عوامل جسمانی و طبیعی است. وی اعتقاد داشت که محیط فوق جسمانی خاص انسان است (عربی و حاتمی، ۱۳۹۲: ۵). کامل‌ترین تعریفی که در علوم انسانی از فرهنگ شده است متعلق به تیلور است که فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای از شناسایی‌ها، اعتقادات، حقوق، آداب، اخلاق و سایر خصوصیات می‌داند که فرد به‌عنوان عضو جامعه‌اش کسب می‌کند. جامع‌ترین تعریفی که امروز از فرهنگ

می‌شود عبارت است از مجموعه‌ای از طرز تفکر، احساس و عمل کم‌وبیش شکل‌گرفته‌ای که اکتسابی بوده و وجه اشتراکی است میان گروه‌ها و به نحو عینی و سمبلیک به جامعه شکل خاص و متمایزی می‌بخشد.

فرهنگ را نمی‌توان به جلوه‌ها و تجلیات دانست، بلکه این فقط بخشی از فرهنگ است که از طریق فیلم، نقاشی، سینما، تئاتر، عکاسی و... نمود و ظهور می‌یابد و بخش‌های دیگر به صورت سبک زندگی و کلیت زندگی خود را نشان می‌دهد. امروزه فرهنگ نه تنها در دانشگاه‌ها و محافل روشنفکری نفوذ کرده است، بلکه حتی در گفت‌وگوهای عمومی رسانه‌ها و مردم نیز اغلب در همه‌جا از فرهنگ صحبت می‌کنند (فاضلی، ۱۳۹۳: ۴۷)؛ بنابراین تعریف فرهنگ شامل همه فعالیت‌های انسانی می‌شود و سیمای واقعی زندگی انسان‌هاست، زیرا توسط آن‌ها به وجود آمده است.

### اهمیت فرهنگ

فرهنگ برای جامعه، هم چون حافظه برای انسان است. اهمیت فرهنگ را به‌طور کلی می‌توان در دو جنبه خلاصه کرد: نخست جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگری، نقشی که فرهنگ در پیشرفت جوامع ایفا می‌کند. بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد (قربانی، ۱۳۸۳: ۱۹-۲۲). گروهی از جامعه‌شناسان از فرهنگ تقسیم‌بندی متفاوتی با عنوان فرهنگ مادی و معنوی مطرح کرده و آن را دارای دو جنبه اساسی دانسته‌اند.

### مفهوم فرهنگ ایثار و شهادت

فرهنگ شهادت عبارت است از مجموعه آگاهی‌ها، باورها، آداب و اعتقادات و اعمالی که موجب دستیابی انسان به عالی‌ترین و والاترین درجه کمال، یعنی مرگ آگاهانه در راه خدا می‌گردد. فرهنگ شهادت عبارت است از تعیین عاشقانه‌ای که انسان دنیوی را در عبور از حیات مادی به حیات معنوی لقاء... می‌رساند. (معدنی، ۱۳۷۸: ۲۲). فرهنگ شهادت که در اصطلاح به آن «مرگ

قهرمانانه» گفته می‌شود، به معنای ساختار اجتماعی و فردی آموخته‌شده‌ای است که در ارتباط با یک گروه اجتماعی و بر اساس باورها و اعتقادات مذهبی پیروی می‌شود. به عبارت دیگر، فرهنگ شهادت به معنای آن است که فرد با عنایت به حضور خداوند و با دارا بودن ارزش‌های والای انسانی و معنوی، جان خویش را در راه ارزش‌ها و باورهای خود فدا می‌کند تا از این طریق به بالاترین وظیفه خود در قبال جامعه و اعتقادات خود عمل کرده باشد. از این رو، فرهنگ شهادت به عنوان فلسفه یا نگرشی از زندگی تعبیر می‌شود، گرچه ذاتش مرگ است (موسالی، ۲۰۱۵: ۱۴).

فرهنگ ایثار عبارت است از از خودگذشتگی و ترجیح و برتری دادن به آنچه مطلوب دیگران است. بدین معنا که یک انسان با اعتقاد، در راه اعتلای اسلام و پایداری در راه اقامه شعائر دینی و دفاع از ارزش‌های مقدس و برافراشتن پرچم توحید، با تمام امکانات مادی و معنوی خود تلاش کرده و حتی از بذل جان و مال خویش در راه حفظ و حراست از هدف مقدس، دریغ نرزد و تکامل خود را با مروری بر منابع دینی درمی‌یابد. ایثار، دارای مراتب و درجات گسترده‌ای است، از ایثار در مال به معنای از خودگذشتگی در اموال گرفته تا عالی‌ترین مرتبه ایثار که همان ایثار جان و جهاد در راه خدا است (موسی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

از همین روست که ایثار را به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در نظریه سرمایه اجتماعی از منظر اسلام معرفی می‌کنند. ایثار در مفاهیم دینی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است؛ چنانچه امیرالمؤمنین (ع) ایثار را بالاترین درجه ایمان و زیور زهد بر شمرده‌اند. بی‌شک والاترین مرتبه ایثار، شهادت و جان خود را در کف اخلاص گذاشتن در عرصه‌های مجاهدت در راه خداست. اینجاست که مجاهد به وظیفه خود که حضور در صحنه پیکار حق علیه باطل است، عمل می‌کند و با تمام توان در صدد محو باطل برمی‌آید و سرانجام کار هرچه باشد، محبوب اوست؛ خواه بدون هیچ‌گونه آسیبی از صحنه جهاد خارج شود و در انتظار کارزاری دیگر و ایفای وظیفه در نوبتی دیگر باشد؛ خواه مجروح و مصدوم شود و یا اینکه اعضای بدن خویش را در راه دوست، قربانی نماید و خواه اینکه در این بازار پر رونق لقای الهی، به فوز عظیم شهادت نائل آید (مولائی آرائی و باقری کنی، ۱۳۹۵: ۹۹).

در فرهنگ و بینش شیعه، ایثار و شهادت، تلاش و کوشش برای احیاء گسترش دین خدا و ارزش‌های انسانی به شمار می‌رود و کسی که عمر خود را در این راه صرف و جان خود را در

این راه تقدیم پروردگار کند اگر چه مرگ و در صحنه جنگ نیست اما باز هم شهادت است و چنین فردی شهید نامیده می‌شود. مهم‌ترین سرچشمه تجلی و تداوم فرهنگ ایثار و شهادت در شیعه، عاشورا و شهادت امام حسین (ع) است.

بر اساس آنچه ذکر گردید گسترش فرهنگ ایثار و شهادت باعث افزایش روحیه تعاون و همکاری میان مردم و عزت و عظمت جوامع اسلامی از بین جوامع انسانی می‌شود و تنها در این صورت است که جامعه به سعادت به معنای تمام و کمال خود دست می‌یابد. در این صورت فرد هم نمادهای مادی کار خود را در جامعه می‌بیند و هم نمادهای معنوی آن را؛ و هم آن را در وجود خود احساس کرده و به آرامش می‌رسد و هم می‌داند که این فعالیت در جایی در محضر خدا ثبت می‌شود.

لذا ترویج فرهنگ ایثار و شهادت بدون ایدئولوژی مشروعیت بخش، غیرممکن است؛ و نقش ایدئولوژی‌ها در اشاعه آن آنگاه که سخن از نهادینه‌سازی این فرهنگ می‌شود بیشتر آشکار می‌گردد. ایدئولوژی و توجیه‌گر ایثار و شهادت در جامعه ما توجیهی در امور دنیوی ندارد و در مقابل زهد اخروی را جایگزین آن ساخته است. مطابق با دیدگاه اسلامی اوج تجلی رفتار ایثارگرانه جایی است که انسان از عزیزترین کالای خود که جان اوست درگذرد. در ایدئولوژی اسلامی این متعالی‌ترین مرتبت ایثارگری در سلسله مراتب ایثار است (اقبال، ۱۳۷۵: ۷). بنابراین ضرورت دارد تا ترویج فرهنگ ایثار و شهادت به‌عنوان وظیفه‌ای عمومی و همگانی در نظر گرفته شود و تلاش نمود تا به گفتمان عمومی در جامعه تبدیل گردد.

### چگونگی شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت

برای این که فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه شکل بگیرد، نیاز به مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است؛ که با تکیه بر مبانی بنیادین و اصول اساسی اسلام که همان توحید، معاد و عدل می‌توان به آن‌ها دست یافت؛ که به صورت اجمالی شامل موارد ذیل می‌باشند:

عمل صالح و پرهیزکاری، امر به معروف و نهی از منکر، دوری از فساد، دوری از بدعت، تقوا، مردم‌داری، اجتناب از غیبت، خدمت به مردم، اجتناب از خودمحوری، وفای به عهد، عدم تعلق

به دنیا، عدم دنیاپرستی، قانع بودن، دوری از حسد، خدامحوری، ایمان به خدا، بی‌نیازی از غیر خدا، توکل بر خدا.

### کارکردهای مختلف فرهنگ شهادت

۱. فدا کردن جان برای حفظ ارزش‌ها: در جوامعی که احترام و وفاداری به ارزش‌ها یک اصل محسوب می‌شود و برای جامعه اهمیت دارد، در صورت به خطر افتادن ارزش‌هایی که مهم هستند، در مقاطعی از تاریخ، افراد جان خویش را کمتر از ارزش‌ها می‌دانند و حاضر می‌شوند به‌منظور بقا و حیات جامعه و ارزش‌های آن جان خویش را فدا کنند.
۲. عزت‌نفس بخشیدن به افراد: امام راحل (ره) در این زمینه می‌فرماید: «اسلام این پیروزی را حاصل کرده، شهادت است که این پیروزی را حاصل کرده، شهادت هم حفظ اسلام است، از اول اسلام با شهادت پیش برده، حالا هم که می‌بینید جوان‌های ما شهادت را می‌خواهند... این حس بود که ما را پیش برد، این حس شهادت بود، جلو آمدن برای اسلام و شهادت بود که ما را به پیروزی رساند.»
۳. ایجاد هویت و هدف مشترک: مؤلفه‌های شهادت یعنی گام برداشتن در راه خدا و مرگ داوطلبانه در موقع لزوم، هویت و هدفی مشترک را برای افراد جامعه ایجاد می‌کند و می‌تواند الگو و راهکار عملی برای نسل‌ها و ملل زیر ظلم و ستم باشد.
۴. عامل همبستگی اجتماعی: عاشورا، عزاداری، نوحه‌خوانی امام حسین (ع) و... مفاهیمی هستند که موجب همبستگی شیعیان در طول تاریخ مبارزاتشان شده و انگیزه قوی به‌منظور همدلی، اتحاد و اتفاق به آن‌ها بخشیده است. لذا فرهنگ شهادت یکی از عوامل مهم در همبستگی اجتماعی محسوب می‌شود.
۵. ایجاد روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌طلبی: صاحبان سلطه، ظالمان و مخالفان عدالت و قسط تا زمانی که مشعل شهادت در جامعه فروزان است، مدام احساس خطر می‌کنند. رهبر انقلاب نیز به‌خوبی به این مسئله واقف بوده‌اند: «اسلام در کشور ما می‌رفت تا به تباهی کشیده شود که با خون شهیدان ملت ما حیات خود را بازیافت» (عربی، حاتمی، ۱۳۹۲: ۷).

فرهنگ شهادت مجموعه آثار، اصول و معارفی است که معرف و برآمده از حیات معنوی شهیدان راه خدا و مبین سیره عملی آنهاست. این فرهنگ در سرزمین کهن ایران و پس از واقعه عاشورا همیشه سرمشق انسان‌ها و مجاهدان بزرگ تاریخ بوده و در مقاطع مختلف رمز پیروزی و نجات ملت و مردم از تعدی بیگانگان بوده است.

### مبانی جامعه‌شناسی فرهنگ ایثار و شهادت

جامعه‌شناختی فرهنگ ایثار و شهادت دارای جهان‌بینی و طرز تفکری خاص نسبت به مسائل جاری جهان است. لذا برای فهم این نوع از جهان‌بینی به مبانی جامعه‌شناختی آن می‌پردازیم. ۱. ایجاد عدالت ایدئولوژیک: شرط زیربنایی جامعه‌شناسی ایثاری ایجاد جامعه‌ای بر اساس توحید و خداپرستی است.

۲. عدالت اجتماعی: این نگاه و رویکرد بیان می‌دارد که هیچ‌کس حق برتری جویی بر دیگری ندارد و این خود ریشه در مبانی اصیل عدالت توحیدی دارد. خداوند در چندین آیه از قرآن کریم به طور صریح بر اجرای عدالت تأکید می‌کند و این نشان می‌دهد که عدالت در تفکر اسلامی یک بعد زیربنایی دارد. نه تنها مسلمانان، بلکه برای کل بشریت از هر فرقه و آئینی که در جهان باشد، عدالت اجتماعی شیرین و قابل پیگیری است.

۳. توجه به حقوق انسان: اسلام از حقوق بشر حرف نمی‌زند بلکه از «حق الناس» سخن به میان می‌آورد حق الناس در اسلام شامل احترام به تمامی ابعاد انسان و جامعه انسانی است. سخن از حق الناس در جامعه‌شناسی ایثاری تمام اعضای جامعه از حاکمان گرفته تا دیگر عموم مردم را شامل می‌شود و هیچ‌کس نمی‌تواند در آن قصور کند.

۴. مهرورزی و محبت به دیگر انسان‌ها: اسلام دین مهر و محبت است و جامعه‌ای که بر اساس اسلام بنیان شده است، در کنار توجه به بسیاری از مسائل اساسی به مهر ورزیدن به دیگران نیز به‌عنوان یک زیربنای جامعه اسلامی توجه کرده است.

۵. مدینه فاضله: ماحصل تمامی تفکرات جامعه‌شناختی فوق به جامعه‌ای می‌رسد به نام مدینه فاضله. این جامعه نهایت تفکر ایثاری است. برخلاف اتویپای موهوم در نگاه روشنفکران غربی که شهری مبهم و با ویژگی‌هایی متفاوت و بنا به سلیقه نویسنده آن ارائه می‌شود، مدینه



فاضله در اسلام جامعه‌ای است که بر مبنای تفکر ایثاری و فرهنگ جهادی ساخته شده است و قادر است سعادت هر دو جهان جامعه‌اش را تضمین کند. مدینه فاضله ماحصل تلاش ایثارگران و مجاهدان بزرگ است که برای تشکیل آن به وظیفه خود عمل کردن و از هیچ چیز در این راه دریغ نکردند و در این راه شهید شدند. شهیدانی که هدف از زیستن را رستگاری می‌دانستند.

### نگاهی جامعه‌شناختی به عقلانیت ایثار و شهادت

اگر خواسته باشیم به تعریفی منسجم از عقلانیت در فرهنگ ایثار و شهادت بپردازیم باید بگوییم که عقلانیت در این فرهنگ، تفکر و کنشی است که جهتی آن جهانی دارد درحالی‌که اهداف و نتایج آن هر دو جهانی است. اهداف آن بخصوص در مورد خود کنشگر یعنی مجاهد، اصلاً با اهداف مادی سازگار و قابل مقایسه نیست. ایثارگر کسی است که در درجه نخست جان خود را در طبق اخلاص می‌گذارد و در جهاد فی سبیل الله حاضر می‌شود و آمادگی کامل دارد تا از این جان ناچیز خود بگذرد تا به اهدافی هر دو جهانی برسد. یک چنین کنشی با نگاه راسیونالیزم مدرن ناسازگار است و طبیعی است که باید متضاد باشد. مسئله جالب توجه این است که روشنفکران بعد از رنسانس و همچنین روشنفکری غرب زده در جهان اسلام تلاش دارد که از این تضاد سوءاستفاده بزرگی کند که تاکنون کرده است و این تضاد را چنین توجیه کنند که از آنجاکه فرهنگ ایثار و شهادت در قاموس راسیونالیزم مدرن نمی‌گنجد، لذا فرهنگ ایثار و شهادت فرهنگی کهنه، نحیف، دست‌وپاشکسته و قابل تجدید نظر است.

برای بررسی دقیق‌تر موضوع به عالی‌ترین نمونه فرهنگ ایثار و شهادت در تاریخ بشری یعنی امام حسین (ع) و نقش او در عملی کردن فرهنگ ایثار و شهادت می‌پردازیم. از دیدگاه علم تاریخ و عقل‌ابزاری مدرن، امام حسین (ع) دست به کنشی زد که از هیچ انسان عاقلی بر نمی‌آید از زاویه دید فرهنگ ایثار و شهادت، کنش امام حسین (ع) و یارانش بر مبنای عالی‌ترین مبانی اصیل اسلام ناب و پیرامون ایثار و شهادت دور می‌زند. جایی که یک شخصیت به همراه عده‌ای از بهترین شخصیت‌های انسانی نه در یک برهه از تاریخ، بلکه در تاریخ تمدن بشری نمونه عالی یک انسان مجاهد برای ایجاد عدالت ایدئولوژیک و نبرد با سکولاریزم، حاضر به نبرد با کفر و

شهادت در راه اسلام می‌شوند و در این راه همه شهید می‌شوند. برخلاف علم تاریخ، از حکمت تاریخ که اراده و اداره آن در دست خداوند حکیم است چنین مستفاد می‌شود که پیروز بزرگ میدان کربلا، امام حسین (ع) است و این یعنی عقلانیت ایثاری. جایی که یک انسان پیروزی مادی در یک لحظه را نمی‌خواهد و آن را فدای پیروزی خود در تاریخ بشری می‌کند. عقلانیت در فرهنگ ایثار و شهادت یعنی کنشی که در ادامه خود یک فرایند و جریان تاریخی بر مبنای صراط مستقیم را راه‌اندازی می‌کند. عقلانیت در فرهنگ ایثار و شهادت یعنی یک جریان دائمی و مدام در حال فراوری که قادر است تا آخرین لحظه تاریخ به هدف و راه خود ادامه بدهد و این یک راه تاریخی و ماندگار است. واقعیت آن است که کنشگران فرهنگ ایثار و شهادت خود را و عمل خود را بر اساس یک عقلانیت صرفاً مادی هماهنگ نمی‌کنند. نتیجه آنکه عقلانیت مدرن بر اساس یکسری از مشخصه‌های صرفاً مادی قابل‌تعریف است که فقط بعد مادی انسان را می‌بیند، در حالی که عقلانیت ایثاری عقلانیتی هر دو جهانی است که در کنار بعد جسمانی، بعد روحانی بشر را نیز در نظر می‌گیرد و در جهت تعالی و تکامل این بعد و در واقع هر دو بعد انسان نهایت تلاشش را عملی می‌کند.

### فرهنگ شهادت و ویژگی‌های عمده فرهنگ از منظری جامعه‌شناسانه

از آنجاکه شهادت یک فرهنگ است، با تعاریف دیگر و جنبه‌های فرهنگ نیز همسانی و مطابقت دارد. به همین جهت در این قسمت سعی می‌شود فرهنگ شهادت با برخی ابعاد فرهنگ سنجیده شود.

#### ۱. فرهنگ عام ولی خاص است.

در مورد پدیده‌های فرهنگی، صاحب‌نظران این حوزه از مفهوم بشری معتقدند که تمامی جنبه‌های فرهنگ به نحوی در تمامی جهان وجود دارد، ولی درعین حال هر جامعه فرهنگ مخصوص خود را حفظ کرده و آن را تداوم می‌بخشد. زبان و ادبیات یک فرهنگ عام است؛ اما درعین حال خاص است، یعنی هر جامعه‌ای زبان و ادبیات مخصوص خود را دارد. در یک کشور، فارسی، در سرزمینی دیگر، عربی و در بعضی نقاط انگلیسی و سرانجام اینکه هر جامعه در همه ابعاد کوچک و بزرگ، زبان مخصوص خود را دارد. مثال بعدی، مذهب و باورها و اعتقادات معنوی

یک جامعه است. در تمامی جوامع دنیا، پدیده‌ای به نام باورهای معنوی و دینی وجود دارد؛ اما درعین‌حال، هر جامعه‌ای دین و آیین مخصوص خود را دارد؛ چون این پدیده ارزشی و اعتقادی است، اغلب پیرو هر آیین، ایمان و اعتقاد خود را حقیقت می‌پندارد.

به‌هرحال، در تمامی جهان باورها و اعتقادات دینی - معنوی اعم از توحیدی و غیره توحیدی وجود دارد که خاص بودن فرهنگ برای بخش‌های گوناگون جامعه انسانی را مطرح می‌سازد. وقتی در میان نوشته‌ها و گفتار علماء، سخن از «فرهنگ اسلامی» به میان می‌آید و مراد از آن معارف دینی در اسلام است، اگر این موضوع را بپذیریم که فرهنگ پدیده‌ای جهانی است، فرهنگ اسلامی مفهومی خاص می‌گردد که به باور مسلمین دین اسلام، دینی است توحیدی، حق و تحریف‌نشده.

«فرهنگ شهادت» در اعتقادات مسلمانان، فرهنگی است که خمیرمایه و محتوای آن را اسلام تشکیل می‌دهد؛ اما در دیگر فرهنگ‌ها نیز واژه‌ای معادل شهید وجود داشته و شباهت‌هایی مثل آسایش دیگران را بر منافع شخصی ترجیح دادن، صبر و استقامت، سازش‌ناپذیری در مقابل دشمنان، زیر بار ذلت نرفتن، به زندگی حیوانی تن ندادن و ترسیدن از مرگ، مشاهده می‌شود.

## ۲. فرهنگ ثابت ولی متغیر است.

پدیده‌های فرهنگی به‌طور دائم در حال تغییر هستند؛ اما نوع و شکل پدیده‌ها در فرآیند تغییر متفاوت هستند و از شدت و ضعف گوناگونی برخوردارند. پدیده‌هایی مثل لباس و مد آن شاید دائماً در حال تغییر باشد و مردم در مقابل آن چندان حساسیتی نشان ندهند. زبان نیز مثال دیگری است که تغییر آن کندتر صورت می‌گیرد و درعین‌حال همین زبان نیز در طول زمان به دلیل برخورد با علوم، فنون، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها تغییر می‌یابند؛ اما این تغییر را چندان احساس نمی‌کنیم. اگر یک برش تاریخی ۵۰ تا ۱۰۰ ساله بزنیم و زبان امروز را با یک قرن پیش مقایسه کنیم، نوع گفتار، واژه‌ها و... بسیار تغییر کرده‌اند.

شهادت نیز، گرچه از لحاظ محتوای اصلی خود در طول تاریخ تغییر نکرده، یعنی در هر زمان و مکان، «هرکسی که با مرگی آگاهانه و در راه خدا کشته شود»، شهید است، اما هم نوع کشته شدن‌ها، هم نوع تبیین، تفسیرها و تحلیل‌ها متفاوت و رو به تکامل است.

درست است که حمزه شهید در احد، امام حسین (ع) شهید در کربلا، مدرس شهید در دوران ستم‌شاهی پهلوی، ابراهیم همت و مهدی باکری شهدای جنگ ایران و عراق، همگی شهید هستند، اما کیفیت شهادت و آمال و آرزوهای متفاوتی داشتند. درعین حال که شهادت همگی ایشان برای اعتلای اسلام بود، اما «استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی» شعاری بود که آرزوی شهید باکری و تمامی شهدای انقلاب اسلامی بود. حضرت علی (ع) و استاد مطهری و آیت اله دستغیب، هر سه به‌وسیله ترور شهید شدند؛ و به سه شکل متفاوت؛ یکی با شمشیر، دیگری با گلوله و سومی با انفجار به دیدار دوست شتافتند (ارژندی، ۱۳۸۷).

### ۳. فرهنگ اجباری ولی اختیاری است

یک فرهنگ پویا، فعال و زنده در جامعه، انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا آنجا که به نظر می‌رسد اجباری است، یعنی انسان مجبور است در جامعه فرهنگ پیرامون را بپذیرد. ما به زبان اجتماع خود صحبت می‌کنیم، لباس مشابه جامعه را می‌پوشیم، حال آنکه فرهنگ کمتر خود را تحمیل می‌کند. بلکه در کنار آن اختیار هم وجود دارد و این دو در کنار هم باعث تداوم فرهنگ از نسلی به نسل دیگر می‌شود (اجباری بودن فرهنگ) و درعین حال، انسان‌ها با نوآوری در فرهنگ جامعه، باعث تغییر و تحول و تکامل فرهنگ می‌شوند (اختیاری بودن فرهنگ) (ارژندی، ۱۳۸۷). فرهنگ شهادت نیز در جامعه حضور دارد و کودکان آینده نام و یاد شهیدان را خواهند آموخت و در جای جای تاریخ آینده ما قهرمانان نسل انقلاب و جنگ خواهند بود، همانند نسل‌های متمادی که با نام و یاد امام حسین (ع) زندگی کرده‌اند؛ اما درعین حال این فرهنگ تحمیلی نیست بلکه انسان‌ها در پذیرش و عدم قبول آن مختارند.

### زمینه‌های مؤثر بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

استراتژی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه متأثر از عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تمدن است. برای ترویج این فرهنگ باید نقش هر یک از عوامل موردتوجه جدی قرار داد و همچنین به روابط بین این عوامل اهمیت قائل شد.

در بررسی همه‌جانبه عوامل مؤثر بر ترویج این حوزه چهار بستر فرهنگی، اقتصادی، سیاسی

و بین‌المللی واضح است. عوامل مطرح‌شده ذیل چه به شکل مستقیم و چه غیرمستقیم می‌تواند فضایی را به وجود آورد که زمینه‌های ازخودگذشتگی و ایثار را تقویت یا نفی کند.

### زمینه‌ها و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر ترویج فرهنگ و شهادت

عوامل مؤثر بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

عوامل	مؤلفه‌ها
فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ اعتقادات و باورها</li> <li>➤ قانون‌گرایی و ضابطه‌مندی</li> <li>➤ برتری منافع جمعی بر منافع فردی</li> <li>➤ پرهیز از سیاسی‌کاری</li> <li>➤ صداقت و راستگویی</li> <li>➤ تقویت ارزش‌ها و هنجارها</li> </ul>
اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ عدالت اقتصادی</li> <li>➤ امنیت شغلی</li> <li>➤ برتری دانایی بر دارایی</li> <li>➤ وضعیت مناسب معیشتی</li> <li>➤ رفاه اجتماعی</li> </ul>
سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ اخلاق‌مداری</li> <li>➤ پرهیز از مناقشات سیاسی</li> <li>➤ شایسته‌سالاری</li> </ul>
بین‌المللی	<ul style="list-style-type: none"> <li>➤ جهانی‌شدن</li> <li>➤ ارتباطات و تعاملات جهانی</li> <li>➤ گسترش رسانه‌های نوین ارتباطی و جهانی</li> <li>➤ گسترش گردشگری و توریسم فرهنگی</li> </ul>

(شاه نوروزی، اسماعیلی، ۱۳۹۴: ۹۴).

### بحث و نتیجه‌گیری

شهادت عالی‌ترین و والاترین کرامتی است که نصیب بندگان خالص خداوند می‌شود. حفظ و اشاعه روحیه ایثارگری و شهادت‌طلبی نه تنها در افزایش کمالات انسانی، نقش بسزایی ایفا می‌کند، بلکه ضامن مصونیت و حفظ جامعه در برابر دشمنان است. در این پژوهش به تبیین فرهنگ ایثار و شهادت با رویکرد جامعه‌شناختی پرداخته شد؛ تا دستاورد پژوهش، راه‌کارهایی در راستای فرهنگ ایثار و شهادت باشد.

در این راستا، اولین قدم شناسایی بسترها و عوامل تأثیرگذاری بر شکل‌گیری و گسترش ایثارگری و هم‌چنین اخلاق مبتنی بر شهادت و ارزش‌های اسلامی است تا بر مبنای آن بتوان برای دستیابی به اهداف فوق، برنامه‌ریزی کرد. با توجه به مسئله اصلی پژوهش پیرامون تبیین جامعه‌شناختی مفهوم ایثار و شهادت و عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اهداف فرهنگ ایثار و شهادت؛ به گستره وسیعی از اهداف هر دو جهانی می‌رسیم که می‌توان به‌طور خلاصه بیان نمود: مهم‌ترین هدف این جهانی فرهنگ ایثار و شهادت، فروپاشیدن مظاهر شرک و بت‌پرستی نظیر انواع بت و نم‌رود و فرعون و ... است تا انسان در سایه توجه و یاد خدا به عالی‌ترین درجه آرامش برسد که «الا بذکرالله تطمئن القلوب». هدف دیگر تلاش در جهت اجرای عدالت و توسعه روابط متعالی انسانی در تاریخ است. مسلم است که در این جهان هیچ‌چیز شیرین‌تر از عدالت برای انسان نیست و بر این اساس رسیدن به جهانی به دور از ظلم و استعمار هدف دیگر این جهانی فرهنگ ایثار است. برخلاف آنکه نظم نوین جهانی مبتنی بر عقلانیت ابزاری به دنبال نظام و جهانی است که با تکیه بر بی‌عدالتی در آن عده‌ای کدخدای دهکده باشند و دیگران بردگان این گروه معدود، در فرهنگ ایثار و شهادت همه انسان‌ها در برابر خداوند و در برابر یکدیگر باهم برابرند. تنها مبنای تفاوت بین آن‌ها تقوایشان نزد خداست. فرهنگ ایثار و شهادت فرهنگ نوع دوستی و برابری و برادری بین انسان‌هاست. برخلاف عقلانیت ابزاری که خشن‌ترین نوع عقلانیت است، عقلانیت ایثاری در متن جهادپرور خود، نوعی دگر خواهی و برابری را ترویج می‌کند که در نوع خود بی‌نظیر است. گسترش علم و دانش و توسعه توانایی‌های علمی انسان و هم‌چنین قدم برداشتن در جهت ایجاد جامعه‌ای متعالی که فیلسوفان مسلمان از آن به‌عنوان مدینه

فاصله یاد می‌کنند، تمام تلاش فرهنگ ایثار و شهادت در جهت توسعه این جهانی انسان و جوامع انسانی است.

همچنین اهداف آن جهانی این فرهنگ عمیق و اصیل که خود مشخص و مسلم است و پی‌ریزی جهانی ابدی در بهشت را که تعاریف آن در آیات کریمه قرآن به کرات آمده است و در سطح عالی‌تر آن رسیدن به لقاءالله از اهداف عالی آن جهانی این فرهنگ است. ایثار و شهادت فرهنگی مبتنی بر این مسئله نیست که این جهان منزل جاوید است، بلکه تمام طرح و برنامه‌هایش برای آن منزلگه جاوید است که البته در کنار آن به مسائل این جهانی انسان نیز به‌طور ظریف اشاره شده است.

### راهکارهای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه

- شناسایی عوامل مهم و مؤثر در توسعه و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت؛
- فرهنگ‌سازی و ارتقای سطح آگاهی و باورهای دینی مردم در طول سال از طریق رسانه‌ها، به‌ویژه صداوسیما، سازمان‌های مسئول و متولی امور دینی، مذهبی و فرهنگی، خانواده‌ها و نهادهای آموزشی؛
- برنامه‌ریزی برای نهادینه کردن فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه؛
- ایجاد ارتباط و تعامل متقابل از سوی سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران با جوانان به‌ویژه جوانان دانشگاهی و مدرسه‌ای و نیز برگزاری نشست‌های مشترک و تخصصی دوره‌ای و حمایت از طریق پژوهش‌های علمی و عملیاتی آنان، ایجاد تعامل سازنده با سایر نهادهای آموزشی و پژوهشی و استفاده از ایده‌های متخصصان و صاحب‌نظران در حوزه دین؛
- معرفی شهدا و ایثارگران به‌عنوان الگوهای راستین رفتاری برای جوانان؛
- برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها و مسابقات علمی - پژوهشی در قالب فراخوان آثار در ابعاد مختلف فرهنگ ایثار و شهادت با همکاری بنیاد شهید، نهادهای فرهنگی و مذهبی، دانشگاه‌ها و مدارس و صداوسیما که علاوه بر جنبه اطلاعاتی و آموزشی می‌تواند، با تجمع آثار و افکار

- مشوق طیف وسیعی در جهت اشاعه و زنده نگه داشتن دستاوردهای دفاع مقدس، انقلاب اسلامی، شهدا و ایثارگران باشد؛
- رسانه‌های جمعی، به‌ویژه صداوسیما به‌عنوان مهم‌ترین ابزار که هدایتگری روند کلی فرهنگ جامعه را بر عهده دارند، می‌تواند در احیاء، رونق، پیرایه زدایی و زمینه‌سازی هر چه بهتر و بیشتر این فرهنگ متعالی نقش تعیین‌کننده ایفا کنند؛
- حمایت از مطالعات و پژوهش‌های دانشگاهی در قالب پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی و طرح‌های پژوهشی مرتبط با فرهنگ ایثار و شهادت؛
- ایجاد تشکل‌های غیردولتی جوانان و نوجوانان (NGO) به‌منظور مشارکت در امر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و جذب افرادی که مایل به همکاری هستند؛
- افزایش ارتباط با خانواده‌های شهدا، جانبازان و ایثارگران؛
- معرفی و شناساندن اسوه‌های ایثار و شهادت به نسل جوان در مراسم‌ها و جشن‌های مذهبی؛
- سازمان‌دهی آرشیو و تدوین بانک اطلاعات پژوهشی‌های فرهنگ ایثار و شهادت؛
- مبارزه با مظاهر پیدا و پنهان تهاجم فرهنگی؛
- زنده نگه داشتن یاد شهدا؛
- حضور در آرامگاه‌های شهدا و تشریح مسئله شهادت از دیدگاه‌های مختلف؛
- اصلاح ذهنیت‌ها در جهت یادآوری معنای واقعی ایثار و شهادت؛
- تشویق ایثارگران اهل قلم به تألیف کتاب‌های حماسی و ایثارگری؛
- ایجاد هماهنگی میان بخش‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از طریق مهندسی فرهنگی و مدیریت آن.
- اقدام مؤثر برای از بین بردن مظاهر متنوع ضد ارزشی در سطوح مختلف جامعه که حتی گاهی به نام ارزش تبلیغ و ترویج می‌شود.



## منابع و مأخذ

- اباذری، یوسف (۱۳۸۰). دورکیم، مجله ارغنون، شماره ۲۱.
- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۷). جایگاه مفهوم شهادت در داستان‌های جنگ، مجموعه مقالات ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ارژندی، عبدالله (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ شهادت، پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگ ایثار و شهادت.
- آرون، ریمون (۱۳۶۶). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- اسماعیل‌زاده، محمد (۱۳۹۰). مبانی فرهنگ شهادت و ایثار از دیدگاه اسلام و نقش رسانه‌ها در توسعه و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت.
- اسکافی، مسعود و حمید و مریم صدیق اورعی (۱۳۹۵). «سیاست پژوهی و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در سازمان‌های دولتی استان خراسان رضوی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲: ۱۰۷-۸۹.
- اسیکدمور، ویلیام (۱۳۷۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه علی‌محمد حاضری و دیگران.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، جلد اول، تهران: انتشارات سخن.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- تهایی، ابوالحسن (۱۳۷۲). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات خردمند.
- جر، خلیل (۱۳۶۳). فرهنگ لاروس، ترجمه سیدحمید طیبیان تهران: امیرکبیر.
- جنتی، احمد (۱۳۸۲). نصاب، قم: نشر الهادی.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- رفیع‌پور، فرامر (۱۳۸۱). کندوکاوها و پنداشته‌ها، چاپ چهاردهم، شرکت سهامی انتشار.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۸). آسیب‌شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور.
- شاه نوروزی، مهدی، اسماعیلی، رضا، پرستگاری و همکاران (۱۳۹۶). «عوامل مؤثر بر ارتقا اثربخشی شیوه‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت»، فصلنامه مدیریت فرهنگی، شماره ۱۱: ۳۵-۴۶.
- طوبی، ژاکلین (۱۳۶۹). «اجتماعی شدن و سه عامل اولیه اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره ۱، دانشگاه تهران.
- عربی، زهرا و داود حاتمی (۱۳۹۲). نقش و جایگاه فرهنگ ایثار و شهادت در بیداری اسلامی و تداوم آن نخستین همایش بین‌المللی مطالعه علمی ایثار و شهادت دانشگاه تهران.

- فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۹۳). تاریخ فرهنگی ایران مدرن، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فهیمی، محمدصادق (۱۳۸۹). شاخص‌های فرهنگ ایثار و شهادت، مجموعه مقالات همایش ملی ایثار و شهادت.
- قربانی، علی حسین (۱۳۸۳). بررسی اصول و مبانی مدیریت فرهنگ، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- قربانی، سعید (۱۳۹۴). «آسیب‌شناسی پیش روی فرهنگ ایثار و شهادت و راهکارهای صیانت از آن‌ها از منظر مقام معظم رهبری»، مهندسی فرهنگی، شماره ۸۵: ۴۹-۳۰.
- قنادان، منصور (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی «مفاهیم کلیدی»، تهران: نشر نور.
- صابری یزدی، علیرضا و محمدرضا انصاری محلاتی (۱۳۷۵). الحکم الزهراء، قم: مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی.
- مازلو، ابراهام (۱۳۶۷). انگیزش و شخصیت، ترجمه رضوانی، انتشارات آستان قدس رضوی.
- محسنی، محسن و احد فرامرز قراملکی (۱۳۹۵). «تحلیل تطبیقی - تاریخی مفهوم ایثار نزد دانشمندان مسلمان تا قرن هفتم»، فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، شماره ۳۳: ۶۴-۴۷.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۶). انحرافات اجتماعی، انگیزه‌ها و علل خودکشی، تهران: انتشارات مروی.
- ملکی، حسن (۱۳۷۶). صلاحیت‌های حرفه معلمی، چاپ اول، انتشارات مدرسه.
- موسی‌پور، نعمت‌اله (۱۳۹۱). «ترویج فرهنگ ایثار و شهادت به کمک برنامه درسی در دوره ابتدایی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۳: ۱۲۶-۱۰۳.
- میراحمدی بابا حیدری، سیدمهدی (۱۳۹۸). ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، چهارمین بین‌المللی دستاوردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- میهنی، شهربانو (۱۳۸۳). طبقه‌بندی موضوعات مربوط به شهید و شهادت در نهج‌البلاغه محقق؛ محمدرضا کلانتری سرچشمه، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، اداره تحقیقات و مطالعات.
- میمنه، حیدرعلی (۱۳۸۵). تبیین و طبقه‌بندی ویژگی‌های فرهنگ ایثار و شهادت بر مبنای معارف و تعالیم اسلامی، سعید زاهد، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان فارس، اداره تحقیقات و مطالعات.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). فرهنگ شهادت، تهران: انتشارات صدرا.
- معدنی، سعید (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر فرهنگ شهادت و شیوه‌های ترویج آن، دفتر تحقیق و پژوهش اداره تحقیقات و مطالعات بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
- مولائی آرائی، مهدی و باقری کنی، مصباح‌الهدی (۱۳۹۵). بررسی عوامل جهت‌دهنده سرمایه اجتماعی در دوران دفاع مقدس. مدیریت اسلامی.
- نیری، محمد یوسف و سیدمهدی خیراندیش (۱۳۸۴). «شهید و شهادت در عرفان اسلامی»، نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۴۲: ۳۲-۱۹.

نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۷۱). *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات رایزن.

ویر، ماکس (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه*، تهران: انتشارات مولی.

Mousalli, S. (2015). A Blood Wedding: Hezbollah's shuhada and its Culture of Martyrdom. (PH. d Theses), American University of Beirut, Faculty of Arts and Science Department of Political Studies.  
Sociology".(2019) Encyclopedia Britannica. Retrieved "